

## نقش و نماد در کاشی‌های ارگ تاریخی گلستان تهران

زهرا خوشدل / کارشناسی فرش، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

کبری عابدی / کارشناسی ارشد حکمت هنر اسلامی، دانشکده آموزش مجازی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.\*

s.abedipro@gmail.com

### چکیده

بی‌شک یکی از مهمترین تزیینات بناهای اسلامی، کاشی‌کاری و کاشی‌نگاری است. کاربرد این هنر در فضای داخلی و خارجی، اهمیت و شهرت بناها را چندین برابر نموده است. از سویی دیگر، بخش مهمی از تاریخ نقاشی ایران را می‌توان با مطالعه نقوش کاشی‌های ایرانی به دست آورد. در دوره قاجار، به علت علاقه شاهان به هنر، بالاخص کاخ‌سازی، کاشی‌نگاری ارتقاء یافت. کاخ گلستان به عنوان الگوی مناسب و مهم در این دوره مورد توجه است. این مقاله به بررسی و شناخت تکنیک به کار رفته در کاشی‌های کاخ گلستان و در فرایندی مهمتر، به شناخت هر چه بیشتر نقوش آن‌ها تلاش نموده است. تزیینات بنا، نقش مهمی را در شکوه و جلال معماری عهده‌دار است. در مجموعه کاخ گلستان، گلستانی از نقش بر کاشی به نمایش آمده که نگاه و اندیشه مخاطبین را به چالش کشانده است. در این مقاله، نقوش کاشی‌های کاخ گلستان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و شاخصه‌های کاشی‌های این مجموعه و موارد مهم آن معرفی و ارائه گردیده است تا علاقه‌مندان از شناخت کامل و جامع تزیینات کاشی‌کاری کاخ گلستان بهره‌مند شوند. تحقیق توصیفی تحلیلی حاضر با بهره‌گیری از شیوه اسنادی تاریخی داده‌ها و اطلاعات لازم گردآوری شده است. نقوش کاشی‌های کاخ گلستان را بر مبنای به‌کارگیری در فضای اندرونی و بیرونی می‌توان تقسیم نمود. بیشترین نقوش فضای بیرونی را نقوش گیاهی دربرگرفته است. کاشی‌های فضای اندرونی از نقوش داستانی، انسانی، شکارگاه، اساطیری و هندسی آذین‌گشته است. کاخ اصلی بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. کلیدواژه‌ها: هنر کاشی‌کاری، دوره قاجار، کاشی‌نگاری، نقوش تزیینی، کاخ گلستان.

## **Motifs and Symbols in the Tiles of the Historic Golestan Citadel in Teheran**

**Zahra Khoshdel** / Bachelor of Carpet, Faculty of Architecture and Art, Kashan University, Kashan, Iran.

**Kobra Abedi** / Master of Islamic Art Hikmat, Faculty of Virtual Education, University of Religions and Religions, Qom, Iran.\*

s.abedipro@gmail.com

### **Abstract**

No doubt, one of the most important decorations of Islamic buildings is the work of tiles and the painting of tiles. The use of this art both inside and out multiplied the importance and reputation of the buildings. On the other hand, a vital part of the history of Iranian painting can be obtained through the study of Iranian tile models. During the Qajar period, because of the interest of kings for art, especially the construction of palaces, tile painting was promoted. Golestan Palace is considered an appropriate and essential model in this time. This article has tried to investigate and understand the technique used in the tiles of Golestan Palace and in the most important process, to know more about their designs. The décor of the building plays an important part in the splendour of the architecture. In the Golestan Palace collection, a Naqsh Bar Kashi Golestani was on display, challenging the eyes and thoughts of the public. In this article, the patterns of the Golestan Palace tiles have been analyzed and the characteristics of the tiles of this collection and its essential items have been introduced and presented so that those interested can benefit from a complete and comprehensive knowledge of the Golestan Palace tile decorations. This descriptive and analytical research was conducted using the historical documentation method of the necessary data and information. Golestan Palace tile models can be divided depending on their usage in indoor and outdoor spaces. Most of the motifs in the exterior space are vegetal motifs. The tiles in the interior space are decorated with history, man, hunting ground, mythological and geometric motifs. The main palace has the major part.

**Keywords:** tile art, Qajar period, tile painting, decorative motifs, Golestan Palace.

## مقدمه

بی‌شک یکی از مهمترین تزیینات بناهای اسلامی، کاشی‌کاری و کاشی‌نگاری است. کاربرد این هنر در فضای داخلی و خارجی، اهمیت و شهرت بناها را چندین برابر نموده است. از سویی دیگر، بخش مهمی از تاریخ نقاشی ایران را می‌توان با مطالعه نقوش کاشی‌های ایرانی به دست آورد. در دوره قاجار، به علت علاقه شاهان به هنر، بالاخص کاخ‌سازی، کاشی‌نگاری ارتقاء یافت. کاخ گلستان به عنوان الگوی مناسب و مهم در این دوره مورد توجه است. این مقاله به بررسی و شناخت تکنیک به کار رفته در کاشی‌های کاخ گلستان و در فرایندی مهمتر، به شناخت هر چه بیشتر نقوش آن‌ها تلاش نموده است. بسیاری از محققین همانند اعظم کریمی به بررسی نقش‌های کاشی‌های این مجموعه و یا میرعزیزی به تحلیل ساختاری نقوش کاشی‌های نقش برجسته تالار اصلی کاخ گلستان همت گماردند، اما هر یک به صورت سطحی و منحصر به یک تالار، به شناخت و معرفی آن پرداخته‌اند. در هنر کاشی‌کاری این کاخ، ابتدا نمادگرایی بر کاشی‌نگاری کاخ حاکم بوده؛ آن گونه که الیاده از نمادگرایی آسمانی، ماه و خورشید، آب و سنگ و زمین و گیاهان و اسطوره‌های گوناگون در فرهنگ‌های مختلف به عنوان نمادها و الگوهایی یاد می‌کند که به گونه‌ای در تمامی جوامع دینی وجود دارد و با صرف‌نظر از تجلیات نمادین آن، می‌توان به ساختارها و جوهر واحد در پس این تجلیات به ظاهر متفاوت دست یافت. از سوی دیگر، از نظر پدیدارشناسان دین، نمادها و اسطوره‌ها به ندرت به صورت یک امر منفرد و یگانه وجود دارد، بلکه اغلب از ویژگی ساخت‌مند و نظام‌وار برخوردارند. هر نمادی در واقع بخشی از جهان بزرگ‌تر نمادها را تشکیل می‌دهد و از این طریق، الگوهای نظام‌وار و منظمی به وجود می‌آورند که تمامی ابعاد به ظاهر آشفته و متکثر جهان انسانی را به وحدت و یکپارچگی می‌رساند (پالس، ۱۳۸۵: ۲۵۷-۲۵۸). اما در دوره دوم قاجار، طبیعت‌گرایی غربی بر نقوش تاثیر گذاشته است که از نظر الیاده، انسان‌ها در برابر طبیعت و نمادهای برگرفته از آن منفعل نیستند، بلکه به صورت خلاقانه دائم دریافت‌های خود از امر مقدس را در قالب نمادها باز‌نمایی می‌کنند. در تاریخ ادیان، اسطوره‌ها همواره شکل یکسانی نداشته، بلکه همواره اسطوره‌های جدیدی آفریده می‌شدند. از این‌روست که الیاده بر این عقیده است که از طریق مطالعات دینی و صرفاً با تمرکز بر روی نمادها بدون توجه به تنوع و دگرگونی آن‌ها در توالی‌های ممتد تاریخی و در شرایط نوظهور تاریخی نمی‌توان به

واقعیت جهان دینی پی برد و پرده از روی پدیده‌ها و واقعیت‌های دینی برکشید. جهان دین جهانی پیچیده و لایه‌لایه‌بندی شده‌ای است که تنها از طریق رخنه به لایه‌های نمادی شده آن و دنیای ذهنی که پدیدآورندگان نمادها در مواجهه با امر مقدس از آن برخوردار بودند، می‌توان از اسرار و مکنونات سرپوشیده آن آگاه شد. آنچه که در این میان بسیار با اهمیت است و تنها از طریق رازگشایی و به شیوه‌ای پدیدارشناختی می‌توان به آن ره یافت، مکشوف ساختن نظم، مدل و آرایشی است که در پس دنیای به ظاهر نامنظم، آشفته و متنوع نمادها قرار دارد که به گوناگونی ادیان جوهر یگانه و منفرد می‌بخشد. برای این کار، باید دامنه و قلمرو مطالعات دین را به پهنه‌ها و گستره‌های متفاوت زمانی و مکانی گسترش داد و به شیوه تطبیقی تاریخی و کنار هم چیدن نمادهای گوناگون، به عنوان تکه‌های متفاوت یک پازل، نظم نهفته در پس نمادهای دینی را بازسازی نمود.

### جایگاه هنر کاشی کاری در دوره قاجار

این نکته بر کسی پوشیده نیست که ایرانیان در ساختن و تولید «کاشی» مهارت بسیار داشته‌اند؛ چه بسا آثار برجای مانده موید این مطلب می‌باشد. اعتمادالسلطنه معتقد است که «این صنعت در سوابق ازمنه یکی از بدایع صنایع مملکت ایران بوده است. لکن تنزل فاحشی در آن پیدا گردیده و در این عهد مبارک دیگر باره در نصاب خویش قرار گرفت» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۴۵). آنچه مبرهن است درباره کاشی کاری قاجار، دیدگاه‌ها و نظرات مختلفی مطرح گردیده است. به طور نمونه، فریه می‌نویسد که «کاشی کاری در دوره قاجاریان باطل و بی‌بیان نماند، بلکه از درهم آمیختن سنت‌های فنی و طراحی با شمایل‌گیری و نگاره‌گزینی سرزنده و شوق‌انگیز خود حمایت و قدمت تازه‌ای به آن بخشید» (فریه، ۱۳۷۴: ۲۹۰). آندره گدار کاشی کاری قاجار را پست و نازل می‌شمارد و می‌گوید: «در مورد کاشی‌های قاجار گفته شده که اغلب ناچیز و از نظر هنری فقیرند و چیزی جز تقلید ناقص و بدی از کارهای گذشته نمی‌باشد» (گدار، ۱۳۵۸: ۴۶۳). پاسخ هادی سیف به این نظریه را می‌توان مدنظر قرار داد؛ «جای شگفتی نیست که سواى قضاوت‌های شتابزده و چه بسا غیرمنصفانه محققان بیگانه در راستای درک مبانی هنرهای اصیل مردمی، آندره گدار، محقق فرانسوی، در وقت مرور گذرای خویش بر حکایت کاشی و کاشی‌نگاری در ایران، در کتاب هنر ایران، آغاز تحول در کاشی کاری نقش و نقش‌های مذهبی و افسانه‌های نظم و نثر فارسی و در

عرصه کاشی در ایران این نهضت هنری برخاسته و برتافته از نیازهای جامعه را به نوعی دل مشغولی و تقلید و تمایل به سبک‌های نقاشی اروپایی تلقی کند» (سیف، ۱۳۷۶: ۷۸) و از آنجا که برخی از نویسندگان معتقدند «کاشی آن دوره را از نظر کیفیت رنگی و ساخت در مرتبه بالایی می‌داند و معتقد است که ساخت کاشی در آن دوره سیر صعودی داشته است و از پیشرفت‌های خوبی برخوردار گردیده است» (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۳: ۲۹۰). شاید بتوان پذیرفت که در محدوده زمانی خاصی از دوره قاجار، پیشرفت‌هایی در زمینه کاشی‌سازی صورت گرفته است. برخلاف دوره صفویه که تزئینات بنا بیشتر در خدمت ابنیه مذهبی بود، در دوره قاجار علاوه بر مزین نمودن ابنیه مذهبی، تزئینات در جهت تزئین و آراستن کاخ‌ها و خانه‌های اشرافی به کار گرفته شدند.

اهمیت این فن در این دوره، با وجود کارگاه‌های کاشی‌پزی مشخص است. «چندین مرکز تولید کاشی وجود می‌داشته است که تهران در مقام پایتختی و با نیاز به شمار زیادی ابنیه شهری و تشریفاتی که می‌داشته، کار ماده‌های لازم را همراه با کوره‌های کاشی‌پزی به دور خود گرد می‌آورده است که جایگاه آن‌ها به طور مناسب در بیرون دیوارهای شهر تعیین می‌شد» (همان). بنا به اسناد موجود در این صنف، «سه شاخه وجود داشت، هر یک از آن‌ها به جوانب متفاوتی از هنر-صنعت سرامیک می‌پرداختند. میرزا حسین خان تحویلدار یک مقام دولتی که جغرافیای شهر مورد علاقه‌اش را در اصفهان به سال ۱۸۷۷ نوشته است، با اشاره به اصناف سفال‌گران (فخارها) می‌نویسد: با توجه به صنف سرامیک کاران، این صنعت (صنف) شامل سه گروه است: گروه اول، دارای کوره برای پخت آجر و آهک و گچ است، از این دسته در مقایسه با ۳۰ تا ۴۰ سال گذشته، کمتر از نیمی از این گروه باقی مانده‌اند. گروه دوم، یک کوره سفال‌سازی دارد. آن‌ها به ساخت، تنگ، جام، گلدان پخت و پز (دیزی)، قلیان و ظروف دیگر اشتغال دارند. این دسته در مقایسه با دوره‌های اخیر، چندان تغییر و تقلیلی نیافته‌اند. گروه سوم، کوره جهت پخت کاشی است. اعضای این انجمن به شدت کاهش پیدا کردند و تنها تعداد کمی از آن‌ها باقی مانده‌اند» (Floor, 2003: 44-45). البته کاشی‌سازی نیز در شهرهای دیگر ایران نیز تا حدودی رونق داشته است.

## کاخ گلستان

کریم خان زند در سال ۱۱۷۳ هجری قمری کاخ گلستان را به سبک بناهای ساسانی به

عنوان دارالحکومه و دیوانخانه و محل ارگ سلطنتی و حرمسرا بنیانگذاری نمود، لیکن سه سال بعد یعنی در سال ۱۱۷۶ هجری قمری از فکر ماندن در تهران منصرف شد و به شیراز آمد و این شهر را به پایتختی خود برگزید. آقا محمد خان قاجار پس از سرنگونی دولت زندیه به تهران آمد و به گسترش و بازسازی ارگ پرداخت. «در زمان آقا محمد خان، ارگ سلطنتی تقریباً در شمال تهران قدیم قرار داشت و یک سمت ارگ به حصار شهر و سه سمت دیگرش متصل به شهر بود، ولی بعداً به علت توسعه شهر و پیدایش کوی‌ها و محله‌های جدید در وسط شهر قرار گرفت» (ذکاء، ۱۳۴۹: ۱۸). این کاخ از شمال به میدان امام خمینی (سپه)، از جنوب به خیابان پانزده خرداد از شرق به خیابان ناصر خسرو (ناصریه) و از غرب به خیابان خیام فعلی محدود شده است. «کاخ گلستان با مجتمع ساختمانی واقع در باغ‌های مرکزی تهران قدیم، هم محل دیوانخانه‌های کشوری بود و هم اقامتگاه شاهان قاجاری» (فریه، ۱۳۷۴: ۲۹۲). بنای مربوطه با تاثیرپذیری از معماری سنتی ایران به دو بخش اندرونی و بیرونی تقسیم می‌شد. بخش بیرونی دارای دو قسمت یعنی حیاط و دارالحکومه یا دیوانخانه و بخش درونی، باغ مستطیل شکلی به نام باغ گلستان بود که این حیاط به وسیله بناهایی از یکدیگر جدا می‌شوند. در زمان فتحعلی شاه، تغییراتی در این بنا انجام شد. «در زمان فتحعلی شاه، با احداث ساختمان طویل و دوروی‌های به نام عمارت خروجی به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شد. بنای مذکور شرقی-غربی بود و بعدها در دوره ناصرالدین شاه تخریب گردید و باغ گلستان مجدداً یک پارچگی خود را به دست آورد» (همان: ۹). بعد از آن دوره، «مجموعه کاخ گلستان در زمان ناصرالدین شاه به صورت کنونی به خود گرفت. در قسمت شرقی، ظاهری تازه به خود کاخ‌های سلطنتی داده شد. منطقه شرقی آشکارا از سه بخش تشکیل می‌شد، بخش شمالی، مرکزی و جنوبی که به ترتیب به وسیله اندرون (اقامتگاه خصوصی) و بیرون (اقامتگاه عمومی در اطراف درباری که با درختان و گل‌ها مزین شده بود. قسمت اندرون در سال (۱۲۹۹ - ۱۳۰۰ ه.ق/ ۱۸۸۲ - ۱۸۸۳ م) پس از ریزش ابنیه فتحعلی شاه) از روی دو باغچه واقع در استانبول، در اطراف قصر کوچکی بازسازی شد» (اسکارچیا، ۱۳۷۶: ۵۰). بیشترین تغییرات بنا، به دست میرزا تقی خان امیر کبیر در زمان سلطنت ناصرالدین شاه ایجاد شد. این چنین که «در سال ۱۲۶۷ ه.ق به دست امیر کبیر قلعه ارگ تجدید عمارت شده و کوچه‌های آن برای حرکت کالسکه، شوسه گردید و این امور به معماری عبدالله خان معمارباشی آن زمان انجام گرفت. در سال ۱۲۶۸ ه.ق نیز در داخل ارگ بناهای جدیدی بر عمارت سلطنتی قدیم

اضافه نمودند و دیوانخانه گلستان را از طرف مشرق توسعه دادند» (همان: ۲۱).

### کاشی‌های کاخ موزه گلستان

کاشی‌های کاخ گلستان در دو بخش بیرونی (محوطه حیاط) و بخش اندرونی (فضای داخلی ساختمان‌ها) نصب گردیده‌اند. لذا کاشی‌های این مجموعه را می‌توان بر اساس فضای داخلی و خارجی، شیوه اجرایی، قالب و ساختار ظاهری آن، مضامین و عناصر تزئینی نقش‌های ترسیم شده دسته بندی و بررسی نمود. کاشی‌های مجموعه کاخ گلستان دارای نقش‌های متنوعی هستند که آن‌ها را بر حسب موضوع و مضمون می‌توان در این طبقه بندی‌ها قرار داد: مضامین اساطیری، شکار و شکارگاه، رزم و نبرد، بزم، عاشقانه، منظره و دورنما و بناهای تاریخی، گیاهی و جانوری، پادشاهان، درباریان و کارگزاران حکومتی و مذهبی.

### کاشی‌های بیرونی (محوطه حیاط)

این قسمت از بنا شامل دیوارهای اطراف کاخ و نمای خارجی ساختمان‌ها می‌باشد (تصویر ۱). نقش‌هایی ملهم از طبیعت و حتی تصاویر نقاشی شده زیادی از خانه‌هایی به سبک غربی و غیر غربی مثل آرامگاه‌ها و دیگر بناهای مذهبی و غیرمذهبی با مناظر اطراف آن به صورت نمادین و طبیعی مشاهده می‌شود. الیاده بر این باور است که نماد ابزار ارتباطی انسان با موجودات متعال و روزه‌ای به جهان فراتاریخی است. وی نماد را دنباله قداست و تجلی حقیقت قدسی می‌داند که هیچ تجلی دیگر قادر به آشکار کردن آن نیست. نماد از نگاه الیاده جزئی از دیالکتیک قدسی و نوعی مکاشفه مستقل و زبانی چندلایه می‌باشد.



تصویر ۱: نمایی از کاشی‌های محوطه حیاط کاخ گلستان، (کبری عابدی)

معمولا تصاویر از درختان، بناها، چمن و بوته‌های گل در پس زمینه مناظر با سایه روشن مختصر و پردازش ظریف تزیین شده‌اند که گاهی رودخانه و چاله‌ای از آب (شاید



هم استخر) نیز در صحنه مناظر مشاهده می‌شود. در کادر بیضی و یا مستطیل، انبوهی از طرح‌ها و نقش‌های اسلیمی و اسپیرال شکل، قرار گرفته‌اند که گلدانی از گل‌های فرنگی در پایین آن ترسیم شده‌اند، تمامی طرح به صورت قرینه تا بالا ادامه یافته‌اند. این ترکیب و چیدمان با ترسیم این فرم اسپیرال (اسپیرال‌های قطور و پهن مزین به نگین‌های مروارید و برگ‌های چدنی) در این دوره، با وضوح بیشتری به نمایش درآمده است که می‌تواند یکی از مشخصه‌های نقوش این دوره به شمار آید. خطوط مارپیچ «تصویری طرح گونه از صعود جهان هستی است» (شوالیه و گربران، ۱۳۸۷: ۶۷۸) و به نظر می‌رسد در این دوره، «به موجب ارتباطی که از این راه با آفرینش با حرکات و با پیشروی‌های فزاینده دارد، نشانه‌ای از قدرت است.» (همان: ۶۸۰). نقوش موجود بر کاشی‌های فضای بیرونی کاخ شامل مضامین ذیل است.

### ۱. نقوش گیاهی

نقش انواع گل‌های طبیعی و یا همان گل‌های لندنی معروف به فرنگی، بر روی سطوح، بسیار دیده می‌شوند که شامل گل‌های سرخ رنگ بزرگی چون گل‌های رز با غنچه‌ها و برگ‌ها و دیگر گل‌هایی چون شقایق، نیلوفر آبی، زنبق، گل سرخ، گل زرد همیشه بهار، گل لاله، گل یاس و محمدی در انواع مختلف در بین نقوش خودنمایی می‌نمایند. گل فرنگی‌ها به صورت دسته‌های چندتایی بر روی گلدان‌ها و انتهای بندها نشانده شده‌اند. به نظر می‌رسد هنرمند درصدد ایجاد فضایی آرمانی در زمین بوده است.

درختچه‌های گل اغلب با گل‌های کوچک سفید چند برگی، در کنار گلدان‌ها و عناصر دیگر نقاشی شده‌اند. از دیگر نقش‌های این گروه به نقوش انواع میوه‌ها، همانند انگور، سیب، انار، انجیر، گلای، گندم، هندوانه، خیار می‌توان اشاره نمود (جدول ۱). معمولاً در کنار هم، همراه با نوعی از گل‌ها (بنفشه و گل سرخ و...) و یا به صورت خوشه‌ای (خوشه‌های بزرگ انگورهای یاقوتی شکل) بر روی ساقه‌های تنیده درهم دیده می‌شوند، درون قاب ترسیم شده‌اند. نقش میوه انگور تا حدی بیشتر مورد توجه بوده است. در این مجموعه، این نقش می‌تواند نشانی از خوش گذرانی، شراب و مستی باشد.

دور از انتظار نیست هنرمند، درصدد اجرا تکنیک نقاشی با آبرنگ بر کاشی برخاسته، تا بلکه از این طریق همنشینی دو رنگ متضاد یا در هم آمیختن تنالیت رنگ‌های هم خانواده را



جدول ۱: تصاویری از میوه‌ها در کاشی‌های محوطه بیرونی کاخ گلستان، (نگارنده)

انواع میوه‌ها در قاب دایره‌ای میان انبوه نقوش گیاهی	نقش میوه انگور در حاشیه قاب و نقش گل‌های سرخ بر گلدان	نقوش گل‌ها همراه با نقوش میوه
 <p>(کبری عابدی)</p>	 <p>(کبری عابدی)</p>	 <p>(کبری عابدی)</p>

بدون هیچ خط و مرزی میسر سازد. رنگ‌های زرد، آبی لاجوردی و گاهی نیز آبی فیروزه‌ای، سفید و مشکی متن قاب‌ها را فراگرفته‌اند. انواع سبزه‌ها در تزیین و سایه روشن برگ‌ها به کار آمده‌اند، رنگ‌های گرم چون صورتی و قرمز و زرد و بنفش در جهت رنگ‌آمیزی گل‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بیشترین نقوش گیاهی را می‌توان در سطوح خارجی کاخ ابیض، بر روی دیوارهای میانی بین کاخ ابیض (مردم‌شناسی) و تالار الماس، چادرخانه، بنای بادگیر و عکسخانه و نیز تجمع بیشتر آن‌ها را بر سطوح دیوارهای بیرونی عمارت شمس‌العماره و جایگاه معاونت، می‌توان مشاهده نمود.

نقوش ختایی که سالیان سال آذین‌گر هنر ایرانی بوده‌اند، در بین نقوش گیاهی کاشی‌های کاخ، مهجور مانده‌اند. اگرچه به مجموعه بند، گل‌ها، غنچه‌ها و برگ‌ها در یک گردش نقوش ختایی گفته می‌شود، اما به دلیل اهمیت نقش گل شاه‌عباسی، می‌توان این اصطلاح را به آن نیز تعمیم داد. گل شاه‌عباسی، همان نقش نیلوفر آبی پیش از اسلام است که در دوره اسلامی تزیینات بیشتری به آن داده شده است. این نقش نماد «فراوانی و باروری، و در ارتباط با خاک و آب و گیاهان و جهان زیرین است» (شوالیه و گریران، ۱۳۸۷: ۵۰۲). در حیاط پشتی تالار الماس (انتهای باغ)، مجموعه‌ای از این نقش‌ها، در طرح‌های مجزا (ترنج در قاب‌های مجزای بزرگ، گلدان‌های برگرفته از قاب‌های اسلیمی و ختایی و در قابی همچون طرح فرش با لچک و ترنج در آن) به دور از عناصر غربی با تکنیک هفت رنگ ترسیم شده‌اند. اغلب با رنگ لاجوردی در متن و سفید در بندها و دیگر رنگ‌ها، در رنگ‌آمیزی عناصر کوچک‌تر به کار آمده‌اند (تصویر ۲). البته به صورت نادر، در قاب‌ها و گوشه‌های اطراف تصاویر دیگر (نقوش فرنگی) نیز به نقش آمده است. نقوش اسلیمی رایج‌ترین نقش گیاهی است که در هنرهای

اسلامی کاربرد داشته است. از نظر تاریخی، به صورت گیاهی که گویا از تاک سرچشمه گرفته و در آن پیچیدگی و درهم فرورفتگی برگ‌ها، ساقه‌ها و شاخه‌ها به سهولت قابل تفکیک شده به صورت پیچیده و درهم است. نقش پررنگتری را در مقایسه با ختایی‌ها در تزیین قاب‌های نقوش قابل کاشی‌های بیرونی کاخ، ایفا می‌کنند. نقش اصیل بته (بته تنها، بته قهر و آشتی در تلفیق بته مادر و بچه) نیز در قابی مستقل به خود به صورت واگیره به نمایش گذارده شده است. بته‌ها با دایره‌های کوچک قرمز در مرکز و سفید در اطراف آن و دایره‌های کوچک زرد رنگ، تزیین یافته‌اند. فضای میانی آن‌ها با تصاویری از بناها (همراه با مناظری از طبیعت) و دسته گل‌های رز پر شده است. در خصوص درخت سروی که به شکل بوته درآمده، تفاسیر متعددی وجود دارد. از آن جمله، می‌توان به معنای چون مظهر رازآمیز، شعله آتشکده‌های زرتشتی، تمثیل شکل بادام یا گلابی، تجسمی توسعه یافته از گیاهی هندی که از همان جا به ایران راه یافته است، اشاره داشت.



تصویر ۲: نقوش اسلیمی و ختایی در قاب مربع شکل شبیه طرح‌های فرش (ترنجی)، (کبری عابدی)

## ۲. نقوش حیوانی

نقوش حیوانی در نقاشی‌های کاشی‌های محوطه کاخ، در بین نقوش گیاهی دیده می‌شوند. نقوش پرندگان ترسیم شده در کنار گل‌ها شامل طاووس، مرغ ماهیخوار (لک لک)، بلبل، طوطی، قو، قناری، سیمرغ، کبک، شانه بسر و دیگر پرندگان می‌باشند. «پرندگان در بیشتر موارد، نماد روح انسانند» (همان: ۲۱۸). اکثر آن‌ها در کنار و روی گل‌ها و تعدادی دیگر درون قابی مجزا در حالت پرواز و نمونه‌ای تک در قفس طراحی شده‌اند. حیوانات دیگر شامل شیر، پلنگ، اسب، گاو، آهو، گوزن، خرگوش، سگ، خرس و فیل و نقش حیوانات اساطیری چون اژدها می‌باشند که اکثراً درون قاب در متن تصاویر و یا در لچک‌های بالای بخش محرابی شکل قرار گرفته‌اند. در انتهای بعضی از بندها نیز سر حیواناتی از شیر و اژدها ترسیم شده‌اند. نقش

شیر و خورشید در قابی بیضی شکل روی کاشی هفت رنگ اجرا شده است که اطراف قاب‌ها با نقوش گل‌ها و اسلیمی‌های خرطومی شکل آذین گشته است. در بین نقوش حیوانی، نقش شیر و طاووس نقشی پررنگتر داشته است.

«طراحی نقش مرغ در میان طرح اسلیمی، می‌تواند از تفکری فلسفی و عرفانی ناشی شده باشد. نقش مرغ یا مرغ بهشتی همان نقش طاووس است. طاووس از دیدگاه اخلاق و عرفان به صورت نمادی از آرزوی رسیدن به تکامل و مطلق خوبی‌ها و نیز به جاه طلبی و تکبر معروف است» (پناهی، ۱۳۸۷: ۱۰۲). طاووس یک نماد یا نگاره بسیار متداول در هنر اسلامی است. استفاده از نماد طاووس عنصر تصویری مهم و غالباً مذهبی است که تصویری از بهشتی بودن را به همراه خود دارد. طاووس نر یا پرندگان ترکیبی و خارق‌العاده را بیشتر بهشتی می‌دانند. «بنابر افسانه‌ای، طاووس‌ها همراه آدم و حوا از بهشت بیرون رانده شدند و پرندگان دیگر از غصه رانده شدن آن‌ها از باغ بهشت، شیون، ناله و زاری کردند» (جابر، ۱۳۷۰: ۴۰). دیوار بیرونی عمارت شمس‌العماره، نقش طاووس در میان گل‌ها و گیاهان نقاشی شده است که گویا با نوکش مهره‌های گردنبندی را حمل می‌کند. نقش شیری که شمشیر در دست دارد با چشمانی درشت و خیره‌کننده و لبی خندان حسی از قدرت و غرور را تداعی می‌کند. تصویر خورشید خانم، شبیه چهره زنان قاجار می‌باشد. «قرارگیری این دو نقش روشن بر پس‌زمینه تیره لاجوردی، هدف هنرمند را در برجسته‌سازی و جلوه‌گری نقش اصلی به خوبی نشان داده است» (میر عزیز، ۱۳۹۰: ۳۴). این نقوش نیز با تکنیک هفت رنگ در سطحی نازل اجرا شده است (جدول ۲). تزیین معماری بناها با نقش درخت، گل و بوته به یک عقیده باستانی دارد که به قداست و ارتباط نباتات در زندگی انسان مرتبط می‌گردد.

جدول ۲: نقوش حیوانات در کاشی‌های فضای بیرونی کاخ گلستان، (نگارنده)

تصویر نقش شیر و خورشید	تصویر نقش گرفت و گیر	تصویر نقش پرندگان (طاووس)
		
(کبری عابدی)	(کبری عابدی)	(کبری عابدی)

«درخت در پنداشت مردم جوامع قدیم، مظهر حیات، باروری و قدرت بوده است. بسیاری از بناهای دوره اسلامی با نقش درخت، گیاه، گل و بوته تزیین شده‌اند. درخت یا هر گیاه کهنسال دیگر، نماد بالندگی و زندگی روزانه است» (گوستا، ۱۳۷۷: ۱۳۹). گاهی هم درخت، رمز جاودانگی و بيمردگی به شمار رفته است. «در فرهنگ اسلامی، درخت نمادی از نور و نیروی الهی، دانش، خردورزی دانسته شده، در نتیجه، همواره به عنوان تجسّدی از اصل خیر مورد احترام بوده است» (شمیسا، ۱۳۷۲: ۴۶).

### ۳. نقوش منظره و معماری

این نقش که در قاب‌های بیضی شکل، هشت ضلعی و قاب‌های تزیینی دیگر که با برگ‌ها و فرم‌های چدنی شکل تزیین شده با رنگ‌های قرمز و صورتی بر روی کاشی‌های هفت رنگ ترسیم گشته‌اند. نمایی از ساختمان‌های چند طبقه با سقف شیروانی همراه منظرهای از طبیعت متشکل از درخت، رودخانه، پل، کوه، ابر، پل و... نشان داده شده است. وجود سقف‌های شیروانی، گنبد‌های پیازی شکل، پل‌ها، رودخانه‌ها، حتی نقوش انسانی نقاشی شده با لباس‌های فرنگی در کنار ساختمان‌ها، همگی تأثیرپذیری از هنر غربی را به خوبی نشان می‌دهد. نقش ساختمان‌های بلند چند طبقه با پنجره‌های فراوان، وجود ساعت‌های شهری در بالای ساختمان‌ها با طراحی نه چندان قوی بر روی کاشی‌های هفت رنگ کاخ، یادآور کارت پستال‌های وارداتی قاجاریه است (تصویر ۳). سردر گمی هنرمند در ارائه تصاویر بناها به خوبی مشخص شده است، در وهله اول، بناهای ایرانی همچون پل سی و سه پل اصفهان، ساختمان چهارطبقه عالی قاپو اصفهان و... را برای ما یادآوری می‌کند؛ در حالی که در تصویر بنای مستطیل شکل با سقف شیروانی که گاهی دیوارهایش با پنجره‌های سرتاسری پوشانده شده و جلوی ایوان آن ستون‌هایی قرار گرفته است را که بیشتر به کلیساها شباهت دارد، نمایش می‌دهد. اگر قصد هنرمند تداعی معماری ایرانی است، پس ترسیم عناصر معماری غربی، چه هدفی را برای هنرمند به دنبال داشته است. این نقوش، بیشتر بر روی دیوارهای بیرونی شمس العماره و دیوارهای بین عمارت ابیض و الماس مشاهده می‌شوند. البته در سطوح خارجی عمارت برلیان نیز به صورت دو قاب مستطیل شکل، تقریباً عمود بر هم به صورت برجسته با روش اجرایی نقاشی زیرلعابی، با زمینه آبی لاجوردی در قاب‌های کوچک مستطیل شکل در کنار قاب‌های مستطیل شکل با نقش بوته گل، به وفور می‌توان مشاهده نمود.



تصویر ۳: نقوش منظره و معماری، (کبری عابدی)

#### ۴. نقوش انسانی

با چشم پوشی از نقوش انسانی در تصاویر داستانی و اساطیری که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود، نقوش انسانی باقیمانده شامل، فرشتگان و تصاویر انسان با پوشش نظامی و رسمی (شمایل شاه و...) و اسب سوار و زنان فرنگی، که به صورت مستقل نقاشی شده‌اند، می‌باشند. «هر موجود بالدار، نمادی از معنویت است» (شوالیه و گربران ۱۳۸۷: ۲۱۹). نقش انسان به صورت

انسان بالدار نیمه برهنه و برهنه (فرشته) به تعداد قابل شمارش در برخی از کاشی‌های هفت رنگ محوطه کاخ مشاهده می‌گردد (تصویر ۴). احتمالاً این تصاویر از الگوی فرشته‌های نقاشی اروپایی (باروک و رنسانس) با چهره قاجاری ترسیم شده است. به نظر می‌رسد چهره‌سازی شخصیت‌های درباری در دوره قاجار در پی سنت متداول شده در دوره صفویه است که «وسیله‌ مشروعی برای جاودانه ساختن نام و نام آوری‌های شاهان شمرده می‌شده است» (عکاشه، ۱۳۸۰: ۹۲). این نقوش عموماً به صورت متقارن در دو طرف قاب‌های اجرا شده با نقوش گیاهی در کنار آن‌ها، اجرا شده‌اند. این نقش‌ها معمولاً حلقه، تاج و یا شاخه گلی را در دست گرفته‌اند. تجمع این نقش را در سطوح خارجی خلوت کریمخانی و نگارخانه می‌توان یافت. دو عدد از این نقش نیز بر سطوح دیوار پشتی کاخ ایبض، با پوشش بدن، برخلاف تصاویر



دیگر فرشته که نیمه عریان ترسیم شده‌اند، به تصویر آمده‌اند.

تصویر ۴: نقش فرشته عریان در کاشی‌های کاخ

گلستان، (کبری عابدی)

در خلوت کریم خانی، دو طرف درب ورودی ساختمان اداری انسان با پوشش رسمی و نظامی



که احتمالاً شمایل شاه یا ولیعهد و یا سربازان می‌باشد، در قابی قوسدار به طور تمام‌قد و گاهی تصویر نیم تنه در قاب مستطیلی شکل با طراحی، نه چندان قوی، (عدم تناسب مناسب بین اعضاء) در قسمت‌هایی چون خلوت کریمخانی، نمایان شده‌اند. نقش دوزن با لباس‌های بلند و یقه‌های باز در قابی چندضلعی را می‌توان به آن‌ها افزود. پرده در پشت تصویر، یقه‌های باز لباس و وجود سگی در حال بازی در پایین تصویر زنان و... همگی، نفوذ و تأثیرپذیری فرهنگ غربی را نشان می‌دهد (جدول ۳).

جدول ۳: نگاره‌های انسانی کاشی‌های فضای بیرونی کاخ گلستان، (نگارنده)



در قسمت بالایی، سطوح خارجی، خلوت کریم خانی، شمایل شاهان و افراد برجسته به طرز ماهرانه‌ای با سایه روشن‌های زیبا و ظریف، تنها با تک رنگ مشکی، درون قابی زیبا مزین به اسلیمی که آن نیز در کاشی با قاب مستطیل شکل، ترسیم شده است. اطراف قاب درونی محاط شده، اسلیمی‌های برجسته سفید با زمینه آبی لاجوردی با تکنیک احتمالی زیرلعابی سفید، لاجوردی ساخته شده‌اند که در بین کاشی‌های منقوش ستاره هشت پر برجسته با گل مرکزی، نصب شده‌اند. نقوش داستانی و اساطیری در کاشی‌های هفت رنگی در قسمت بالای دیوار ورودی حیاط کاخ با نقوش تصاویر بزم و میهمانی همراه با صحنه کشتن مردی توسط میرغضب، صحنه شکار و صحنه‌ای مربوط به فیل و فیل‌بانان مشاهده می‌شود. زمینه کاشی‌ها زرد، سبز و خاکی با بوته‌های گل قرمز نقاشی شده‌اند. در پس زمینه، مکانی مانند شهر با ساختمان‌ها و مسجد مشاهده می‌شود. این صحنه‌ها که در قسمت لچکی فضای محرابی شکل قرار گرفته‌اند، با حاشیه اسلیمی و رنگ‌های آبی لاجوردی، سفید، قرمز و مشکی محاط شده است (تصویر ۵).



تصویر ۵: تصاویر نقاشی شده روی کاشی از مضامین بزم، (کبری عابدی)

نقوش اسب سواران کماندار در حال پرتاب تیر را علاوه بر مکان ذکر شده در قسمت پشتی دیوار کاخ ابيض در فضای قوسی شکل، پر شده از نقوش گیاهی درون قاب بیضی شکل، می‌توان جست. در همان مکان، در فضای قوسی شکل دیگری، صحنه شکار، اسب سوارانی نیزه‌دار را که یکی از آن‌ها در حال زدن شیپور است، نشان می‌دهد. دو فرشته در قسمت بالای تصویر با در دست داشتن حلقه گل، به فضا نقاشی رنگ و بوی معنوی بخشید است. در قسمت پایین ایوان شمس العماره، صحنه‌ای مشابه آن، صحنه شکار توسط سوار کاران نیزه‌دار و تفنگ‌دار (شاه و سربازانش)، در حال شیپور زدن با لباس‌های مبدل نظامی (پوتین سیاه و لباس‌های بلند مشکی) می‌باشد. در تمامی صحنه‌های شکار، حرکت اسب‌ها کاملاً طبیعی و مناسب طراحی شده است. به نظر می‌رسد این تصاویر، بازنمایی از صحنه‌های شکار ساسانی می‌باشند. در این قسمت نیز تصاویری از شاهنامه (نبرد رستم با اسفندیار، نبرد رستم با دیو سپید) درون کادرهای بیضی شکل که بیرون آن‌ها سرشار از نقوش گیاهی است، ترسیم شده است.

## ۵. نقوش هندسی

این نقوش که با سه تکنیک معرق، معقلی و تک رنگ به اجرا در آمده‌اند، شامل چند دسته است:

الف. کاشی‌های معرق مشبک آبی رنگی که با نقوش گیاهی، (ختایی و اسلیمی‌ها و بندهای گردان) در قابی بیضی شکل با مرکزیت گل هشت پر قرمز رنگ با دایره زرد رنگ در وسط آن، در قسمت بالای بیرونی خلوت کریم خانی به عنوان نورگیر، بسیار ماهرانه و زیبا نمایان شده است. نوع دیگر از این گروه، نقوش‌های هندسی گره‌داری است که درون قاب‌های بیضی شکل در قسمت بالایی ستون‌های ایوان سرسرا و همچنین در قسمت ورودی تالار



الماس و دیوارهای بیرونی آن و... مشخص می‌باشد. رنگ‌های زرد، سیاه، سفید، آبی فیروزه‌ای و قرمز در این کاشی‌ها دیده می‌شود. از این نوع، کاشی‌های معرق دیگری در محوطه کاخ به چشم می‌آید که در قالب مستطیل شکل بزرگی با ترنج قابی نسبتاً بزرگ در داخل آن که از نقوش اسلیمی و ختایی آذین گشته و فضای خارجی قاب داخلی با نقوش هندسی گره‌دار پر شده است، می‌باشد. نمونه آن را در سطوح خارجی ساختمان مدیریت می‌توان یافت.

ب. نقوش هندسی تک رنگ؛ نقوش شمسه و صلیب در این کاشی‌ها به شیوه چینش عمودی با رنگ‌های تیره و روشن وجود دارد. این کاشی‌ها در قاب‌های قوسی شکل آجری محصور شده که با رنگ‌های آبی فیروزه‌ای، زرد، سیاه، سفید، لاجوردی و قرمز پوشانده شده که در فضای دیوار بیرونی کاخ ابیض و چادر خانه مشاهده می‌شوند. تجسم نمادین شمسه (خورشید) جایگاه مهمی را در هنر ایران، خاص خود کرده و در دوران متمدنی، مورد توجه هنرمندان بوده است. این نماد دارای معانی و مفاهیم فراوانی است. از آن گونه، می‌توان آن را نماد الوهیت و نور و وحدانیت دانست (النور: ۳۵)، قابل ذکر است. هنرمندان مسلمان در بسیاری از آثار خود، مفهوم «کثرت در وحدت و وحدت در کثرت» را به صورت شمسه نشان داده‌اند» (خزایی، ۱۳۸۰: ۱۳۱-۱۳۴).

ج. نقوش هندسی معقلی؛ کاشی‌های معقلی به همراه قطعات هندسی آجر (معمولا مستطیل شکل) فضاهایی از قبیل فضای داخلی خلوت کریم خانی را فرا گرفته است. نقش‌های جدول ۴: نقوش هندسی کاشی‌های فضای بیرونی کاخ گلستان، (نگارنده)



ایجاد شده شامل مربع، لوزی و هشت ضلعی می‌باشد که از رنگ‌های سفید، سیاه، زرد و آبی فیروزه‌ای مزین یافته است.

د. نقوش هندسی گل‌دار؛ کاشی‌هایی با نقش برجسته ستاره هشت پرکه در وسط خود گل هشت‌پر برجسته‌ای را نگه داشته است. این نوع کاشی‌ها با رنگ آبی لاجوردی و سفید و بسیار اندک با رنگ قرمز رنگ‌آمیزی شده‌اند. این نوع از کاشی‌ها را می‌توان در فضای بالای خلوت کریم خانی یافت. نوع دیگر آن، کاشی‌هایی با نقش مسطح ستاره شانزده پر با شمسه مرکزی متشکل از گل هشت پر در مرکز و اسلیمی دهن‌اژدری در اطراف آن، با رنگ سفید و آبی لاجوردی زیر لعابی در سطوح خارجی عمارت برلیان نصب شده است (جدول ۴).  
به طور کلی، کاشی‌های محوطه بیرونی ساختمان‌های کاخ، مانند یک بوم نقاشی بزرگ عمل نموده‌اند که این ویژگی در فضای اندرونی، بر کف بعضی از تالارها به چشم می‌آید.

### کاشی‌های اندرونی کاخ موزه گلستان

با مشاهده تالارها و گفت‌وگو با مسئول تالارها (موزه‌ها)، فقط عمارت ابیض (کاخ مردم‌شناسی)، عمارت الماس، شمس‌العماره، تالار بادگیر و تالارهای کاخ اصلی که شامل تالار سلام، عاج و آینه دارای کاشی‌های منقوش می‌باشند. این کاشی‌ها با نقوش هندسی، نقوش گیاهی، نقوش داستانی و اساطیری و نقوش مناظر و معماری تزیین شده‌اند.

### کاشی‌های عمارت ابیض، عمارت الماس، بنای شمس‌العماره، تالار بادگیر

۱. کاشی‌هایی با نقش برجسته ستاره شانزده پر با ترنج مرکزی متشکل از گل هشت‌پر مرکزی با اسلیمی‌های دهن‌اژدری در اطراف آن که درون قاب ستاره هشت ضلعی محصور شده، کل این نقش‌ها در قالب مربع شکل کاشی گنجانده شده‌اند که با تکنیک اجرایی زیرلعابی سفید-لاجوردی برجسته اجرا شده‌اند (تصویر ۶). معمولاً در دو ردیف در ارازه‌های دیوارهای داخلی با حاشیه زیبایی که با همین تکنیک به اجرا درآمده است، نصب شده‌اند. این نوع از کاشی‌ها در تالار عبدالحمید کاخ ابیض و در بنای داخلی بادگیر مشاهده می‌شود. کاشی‌هایی دیگری نیز با نقش برجسته ستاره هشت‌پر که در وسط خود گل هشت‌پر برجسته‌ای را نگه داشته است، در موزه کاخ ابیض (مردم‌شناسی) موجود است.

۲. کاشی‌های مربع شکل با نقوش هندسی مربع محاط شده نقوش درونی و لوزی مرکزی

برگرفته گل هشت‌پر در مرکز کاشی مشتمل بر نقوش گیاهی برگ مویی (غنچه و برگ)، این کاشی‌ها نیز با تکنیک زیر لعابی اجرا شده‌اند (تصویر ۷). البته زمینه کاشی‌ها قبل از نقاشی زیر لعابی با یک لعاب آستر سفید پوشانده شده‌اند و با آبی لاجوردی رنگ‌آمیزی شده‌اند. بعضی از آن‌ها، هنگام پخت دچار پخش رنگ شده‌اند. با اجرای طرح مثلثی در گوشه کاشی‌ها و اجرای نقش یک چهارم دایره با مرکزیت راس کاشی، از کنار هم قرارگیری، چهار مربع به صورت مرکزیت گوشه‌های کاشی‌ها، طرحی مربع شکل با ترنج دایره‌ای پدیدار می‌گردد. از این نوع کاشی در کنار کف تالارها (به صورت نوار متصل یا منفصل حاشیه کف) مشاهده می‌شود.



تصویر ۶ (راست): کاشی‌هایی با نقش برجسته ستاره شانزده‌پر با ترنج مرکزی، (کبری عابدی)  
تصویر ۷ (چپ): کاشی‌های مربع شکل با نقوش هندسی مربع محاط شده نقوش درونی و لوزی مرکزی برگرفته گل هشت‌پر، (کبری عابدی)

۳. کاشی‌های مربع شکل با نقوش هندسی مربع محاط شده نقوش درونی و لوزی مرکزی برگرفته گل فرنگ در مرکز کاشی مشتمل بر نقوش گیاهی برگ مویی (غنچه و برگ)، یکی دیگر از کاشی‌های فضای درونی است. این کاشی‌ها با تکنیک هفت رنگ ساخته شدند (تصویر ۸). رنگ غالب بر زمینه زرد است. نقش‌های مرکزی با دو رنگ صورتی و آبی و زرد در قسمت مرکز گل و نقوش برگ مویی در خارج از مثلث با قلم‌گیری مشکی و رنگ‌های صورتی و سفید رنگ‌آمیزی شده‌اند. حاشیه درونی کاشی نیز با طرح قابی جالبی با رنگ‌های لاجوردی و سفید و مشکی تزیین شده‌اند. با اجرای طرح مثلثی در گوشه کاشی‌ها و اجرای نقش یک چهارم دایره با مرکزیت راس کاشی، از کنار هم قرارگیری، چهار مربع بصورت مرکزیت گوشه‌های کاشی‌ها، طرحی مربع شکل با ترنج دایره‌ای پدیدار می‌گردد. نمونه آن را در تالار کاخ ایبض می‌توان مشاهده نمود.



تصویر ۸: کاشی‌های مربع شکل با نقوش هندسی مربع محاط شده نقوش درونی و لوزی مرکزی برگرفته گل فرنگی، (کبری عابدی)

۴. کاشی‌های مربع شکل مشتمل بر طرح مشترک دایره و نقوش گیاهی، با دو نقش مرکزی متفاوت گل فرنگی و بته مادر و فرزند می‌باشد (تصویر ۹). این کاشی‌ها در کنار هم با دو طرح

متفاوت مرکزی با روش اجرایی هفت رنگ صورت پذیرفته‌اند. زمینه با رنگ سیاه و سفید پر شده است و دایره طرح با رنگ آبی لاجوردی و تزیین آن با برگ‌های زرد به نمایش در آمده‌اند. طرح‌های مرکزی گل با صورتی، لاجوردی، سبز و زرد و نقش بته با رنگ‌های آبی فیروزه‌ای، لاجوردی، زرد، مشکی و قهوه‌ای نشان داده شده‌اند. ترنج کوچکی با قرارگیری چهار عدد از این کاشی‌ها با مرکزیت گوشه‌ها به وجود می‌آید. نمونه آن در عمارت بادگیر قابل مشاهده می‌باشد. نوع دیگر آن کاشی‌های مربع شکل با نقوش گیاهی هفت رنگ است که در همین مکان می‌توان مشاهده نمود.



تصویر ۹ (راست): کاشی‌های مربع شکل مشتمل بر طرح مشترک دایره و نقوش گیاهی، (بته و گل‌های فرنگی)، (کبری عابدی) تصویر ۱۰ (چپ): کاشی‌های مربع شکل ساده با تک رنگ آبی و مشکی و سفید، (کبری عابدی)

۵. کاشی‌های مربع شکل ساده با تک رنگ آبی و مشکی و سفید (در این کاشی‌ها، فقط کاشی سفید دارای ترنج قرمز رنگ ساده مرکزی می‌باشد). این کاشی در عمارت زیبای شمس العماره در قسمت کف سکوی پایین پنجره‌ها می‌باشد (تصویر ۱۰).

۶. کاشی مربع شکل با قاب بیضی مشتمل بر طرح مرکزی دسته گل فرنگ و مناظر (طبیعت و بنا). از اتصال هر چهار کاشی دو ترنج لوزی شکل به وجود آمده رنگ آبی فیروزه‌ای غالب زمینه شده و رنگ‌های سفید در قاب بیضی، رنگ زرد و مشکی در ترنج‌های به وجود

آمده و رنگ‌های سبز و صورتی و قهوه‌ای در نقوش مرکزی کاشی، مشخص می‌باشند. این کاشی‌ها، کف عمارت زیبای شمس العماره را پوشانده‌اند.

### کاشی‌های کاخ اصلی (تالارهای آینه، سلام و عاج)

با پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده در بین کاشی‌های اندرونی مجموعه کاخ گلستان، بهترین و زیباترین کاشی‌های خلق شده در مجموعه، مختص تالارهای آینه، سلام و عاج می‌باشد. این کاشی‌ها با مضامین اساطیری و عامیانه، تصاویری از داستان‌های عاشقانه، (بهرام و آزاده)، صحنه‌هایی از داستان‌های خمسه نظامی (دیدار خسرو و شیرین، فرهاد و شیرین، یوسف و زلیخا و...) و منطق الطیر عطار (شیخ صنعان و دختر ترسا)، تصاویری از چهره شاهان اشکانی، ساسانی و نیز مراسم سلام شاه، نقوش مذهبی، نقوش اساطیری، صحنه‌های شکار، تصویر و مراسم شاهان (صفوی و افشار)، مراسم بزم و موسیقی، صحنه‌هایی از زندگی روزمره مردم، اجرای دوباره نقش برجسته‌های ساسانی و هخامنشی، صحنه‌هایی از بناها و ساختمان‌های اروپایی و ایرانی می‌باشند. ساختار و شکل قالب کاشی‌ها با تکنیک‌های نقاشی هفت رنگ و نقاشی زیرلغابی شامل ستاره هشت‌پر به همراه هشت ضلعی، مربع، بیضی، چلیپا و اشکال گره‌های هندسی می‌باشد. کاشی‌های کاخ اصلی را می‌توان به دو بخش مسطح و برجسته با تکنیک زیرلغاب براق و شفاف و مسطح هفت رنگ که غالباً با نقش گیاهی در کف تالار به کار رفته است، تقسیم نمود. کاشی‌های برجسته کاخ گلستان از نظر اجزای تشکیل دهنده و قطعات کاشی که در کنار هم قرار گرفته‌اند و تابلوهای واحدی را به وجود آورده‌اند، بدین گونه تقسیم‌بندی و تفکیک می‌شوند:

الف. کاشی با اشکال شمسه و چلیپا و مشتمل بر قطعات شمسه هشت و چلیپا (تصویر ۱۱).

ب. کاشی با اشکال هشت و چهار و مشتمل بر قطعات هشت ضلعی منتظم و چهارضلعی

(تصویر ۱۲).

ج. کاشی با اشکال مربع و طرح مرکزی دایره و مشتمل بر یک قطعه مربع، (تصویر ۱۳).

د. کاشی با شکل مستطیل و طرح مرکزی قابی و مشتمل بر یک قطعه مستطیل

(میرعزیزی، ۱۳۹۰: ۳۶) (تصویر ۱۴).

کاشی‌های برجسته کاخ اصلی علاوه بر داشتن نقاشی‌های زیبا از تصاویر داستانی و اساطیری ایرانی، چهره شاهان و وزراء، ابنیه مذهبی و... که در قاب‌های متنوع، گنجانده شده



است، از تکنیک اجرایی خوبی، نیز برخوردار گشته‌اند (تصویر ۱۵). قلم‌گیری نقوش و طراحی آن‌ها در بسیاری از کاشی‌های تالار اصلی با دقت و ظرافت انجام پذیرفته است، اگرچه هنوز ضعف‌هایی در تناسب اندام فیگورها دیده می‌شود، اما زیبایی خاصی در آن‌ها متصور شده است.



تصاویر ۱۱ تا ۱۵ (از راست بالا): (میر عزیزی)

همانطور که پیش از این آمد، اغلب، کاشی‌های هفت رنگ مسطح در قالب مربع و مستطیل با نقوش گیاهی در کف تالارها و کاشی‌هایی با تکنیک اجرایی نقاشی زیرلعابی، برگرفته از مضامین داستانی، روایی و اساطیری در قسمت پایین دیوارها نصب شده‌اند. نقوش گیاهی برگزیده شامل بندهای شکسته و گردان، نقوش اسلیمی، بندهای چدنی با تزیینات مروارید شکل، گل‌های رز سرخ رنگ همراه با نقوشی چون زنگوله و آویزهای زینتی پرده‌ها، به صورت واگیره تمام کف تالارها و اطراف قاب مرکزی کاشی‌های زیرلعابی نیز پوشیده شده است. سطح منقوش (کف تالارها) از یک طرح واگیره که در نقاط مختلف آن متشکل از قاب‌های ترنجی بزرگ می‌باشد، پوشیده شده است. مناظر اروپایی و دسته گل‌های فرنگ درون قابی در وسط ترنج گنجانده شده‌اند. دور تا دور تالار با حاشیه‌ای چند قسمتی، با گل و بند و قاب مزین شده است.

## نتیجه

با بررسی‌های نقوش کاخ، می‌توان اینطور استنباط نمود که در ابتدا نقوش به صورت هندسی و نمادین به کار گرفته می‌شده است (نقوش دیوار بیرونی خلوت کریم خانی و حیاط پشتی کاخ) (تصویر ۲ و جدول ۴). پس از ارتباط روزافزون دربار با اروپا بالاخص در زمان ناصری، نقوش به تدریج تحت تاثیر هنر اروپایی به سمت طبیعت‌پردازی و فاصله گرفتن از نقوش هندسی، تجریدی و انتزاعی پیش رفته است. در دوره قاجار، انواع نمادهای کاشی‌ها شامل خیالی، مذهبی، انسانی، حیوانی، نباتی و هندسی می‌باشد (جدول ۵).

جدول ۵: انواع نقوش کاشی‌های کاخ گلستان، (نگارنده)

خیالی	مذهبی و داستانی	حیوانی	نباتی	هندسی	انسانی
(میرعزیزی)	(میرعزیزی)	(کبری عابدی)	(کبری عابدی)	(کبری عابدی)	(کبری عابدی)
					

نقوش کاشی‌های کاخ گلستان را بر مبنای به کارگیری در فضای اندرونی و بیرونی می‌توان تقسیم نمود. به علت اشتراک نقوش و اهمیت قرارگیری کاشی‌های منقوش، این مبنا می‌تواند مدنظر قرار گیرد. کاشی با نقش ستاره شانزده‌پر، علاوه بر دارا بودن نقوش کاشی‌های بیرونی، شامل مضامین سایر بناها (عمارت بادگیر، شمش‌العماره و...) هندسی، گیاهی، طبیعت و بنا، داستانی و اساطیری نیز می‌باشد. کاشی‌های اندرونی از لحاظ فرم نیز نقش ساده هندسی تک رنگ قابل دسته‌بندی می‌باشند.

نقوش فضای بیرونی را اغلب نقوش گیاهی، بالاخص نقوش گل فرنگ و پس از آن نقوش پرندگان بیشترین کاربرد را داشته‌اند. فضای اندرونی اغلب با کاشی‌های نقش داستانی، انسانی، شکارگاه، اساطیری و هندسی آذین گشته است، کاخ اصلی بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. نقوش تصویری (اساطیری، داستانی و شکارگاه) بیشتر در کاشی‌های کاخ اصلی مدنظر بوده است. فضای درونی بناهای دیگر مجموعه کاشی‌های منقوش گیاهی و هندسی را در کف و ازاره بعضی از دیوارها را در خود جای داده است. تکنیک موجود در کاشی‌های اغلب نقاشی هفت رنگ و زیر لعابی برجسته می‌باشد. نکته مهم عدم وجود کاشی منقوش



زرین فام (نقاشی رو لعابی) در این مجموعه است؛ چراکه نمونه کاشی زرین فام دوره قاجار در موزه مقدم وجود دارد. قالب این کاشی با این نوع قالب کاشی‌های کاخ اصلی یکسان است (جدول ۶).

جدول ۶: کاشی‌هایی با قالب یکسان، با تکنیکی متفاوت، (نگارنده)

کاشی زرین فام، موزه مقدم	کاشی نقش برجسته، نقاشی رولعابی، کاخ گلستان
	
(کبری عابدی)	(کبری عابدی)

جدول ۷: تأثیرات منعکس شده بر نقوش کاشی‌های کاخ گلستان، (نگارنده)

توضیحات	نمونه	تأثیرات منعکس شده بر نقوش کاشی‌ها
تصویر راست (زنان با لباس فرنگی و نقاشی سگی در کنار آنان) تأثیر فرهنگ و هنر اروپاییان را به خوبی نشان داده است. تصویر چپ (تصویری از داستان‌های ادبی ایرانی) نشان از علاقه‌مندی هنرمندان قاجار به داستان‌ها و اساطیر ادبی و استمرار آن‌ها به نقوش اصیل و سنتی را به خوبی نشان می‌دهد.		تأثیر فرنگی‌هایی (فرهنگ غربی و سنتی)
الهام فراوان از نقوش طبیعی (گل‌ها، میوه‌ها، انسان و حیوانات) که می‌توان توجه و علاقه هنرمندان قاجار به طبیعت‌گرایی و شبیه‌سازی را از این تصاویر دریافت.		تأثیر طبیعت‌گرایی و شبیه‌سازی
کاربرد نقش شیر و خورشید به نشان قدرت و نماد حکومت قاجاریه معرفی شده است. شیر در جلوی خورشید با شمشیر نماد اسدالله حیدر کرار است که مدافع نور محمدی (خورشید) است.		تأثیر نمادگرایی

نقش‌ها می‌توانند نمایان‌گر تحولات فرهنگی، سیاسی، تجاری و اقتصادی دوره قاجار باشند. هریک دربردارنده نماد معنای خاص هستند. گاهی معنایی عینی (نقوش طبیعت

گرایانه)، خیالی (تداعی بهشت برخاسته از ترسیم گل‌ها و پرندگان بالاخص طاووس) و مذهبی (ترسیم نقش فرشتگان) را در بر می‌گیرند. نقوش کاشی‌های کاخ گلستان، تأثیرات فرهنگ مآبی، شبیه‌سازی به طبیعت (طبیعت‌گرایی) و نیز نمادگرایی دوره قاجار را نشان می‌دهد (جدول ۷). هنر عکاسی و صنعت چاپ نیز دو مقوله تأثیرگذار بر نقاشی نقوش کاشی‌های کاخ گلستان بوده‌اند. نقوش و تصاویر سیاه و سفید کاشی‌های این مجموعه به نوعی عکس‌ها و تصاویر چاپی دوره قاجار را برای بینندگان تداعی می‌کنند. شاهان قاجار با دستور ترسیم این نقش‌ها در صدد ایجاد فضایی بهشتی و آرمانی بر زمین و نیز برای پوشاندن هرچه بیشتر ضعف و بی‌کفایتی خود به سمت شکوه و جلال ظاهری گرایش یافتند.

## منابع

- اسکار جیا، جیان روبرتو. (۱۳۷۶). *تاریخ هنر ایران*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن. (۱۳۶۳). *المآثر و الآثار: چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه*. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- پالس، دانیل. (۱۳۸۵). *هفت نظریه در باب دین*. ترجمه و نقد محمد عزیز بختیاری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- پناهی، مهین. (۱۳۷۸). *اخلاق عارفان*. تهران: روزنه.
- خزایی، محمد. (۱۳۸۰). «نقش طاووس و خورشید». *مرغ آفتاب: مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی*. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- ذکاء، یحیی. (۱۳۴۹). *تاریخچه ساختمانی ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان*. تهران: انجمن آثار ملی.
- سیف، هادی. (۱۳۷۶). *نقاشی روی کاشی*. تهران: سروش.
- شریف زاده، سید عبدالمجید. (۱۳۷۵). *تاریخ نگارگری در ایران*. تهران: حوزه هنری.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۲). *نقد شعر سهراب سپهری*. تهران: صدای معاصر.
- شوالیه، ژان و گربران، آلن. (۱۳۸۷). *فرهنگ نمادها*. ج ۵. ترجمه سودابه فضایی. تهران: جیحون.
- عکاشه، ثروت. (۱۳۸۰). *نگارگری اسلامی*. ترجمه غلامرضا تهامی. تهران: حوزه هنری.
- فریه، ر. دبیلو. (۱۳۷۴). *هنرهای ایران*. ترجمه پرویز مرزبان. تهران: فرزبان.
- گدار، آندره. (۱۳۵۸). *هنر ایران*. ترجمه بهروز حبیبی. تهران: دانشگاه ملی.
- مکی نژاد، مهدی. (۱۳۸۷). *تاریخ هنر ایران: دوره اسلامی، تزئینات معماری*. تهران: سمت.

میرعزیزی، سید محمود. (۱۳۹۰). تحلیل ساختاری نقوش کاشی‌های نقش برجسته تالار اصلی کاخ گلستان. کارشناسی ارشد صنایع دستی. دانشگاه سوره. دانشکده هنر.  
Floor, Willem. (2003). *Traditional Crafts in Qajar Iran (1800-1925)*. Mazda Publishers Inc.

